

گروه‌های ضد فرهنگ در نگاهی دوباره^۱

مرتضی منطقی*

چکیده

این مقاله در ابتدا با یادآوری حساسیت دوره نوجوانی به دلیل توأم بودن آن با تحولات شدید زیستی، عاطفی، روان‌شناختی و اجتماعی و مطرح شدن مسئله دشوار هویت‌یابی برای نوجوانان و نیز اهمیت گروه جوان و نوجوان به مثابه سرمایه‌های عظیم هر جامعه و به‌ویژه نقش آن‌ها در انقلاب‌ها، به ضرورت برنامه‌ریزی مناسب برای این گروه اشاره کرده و غفلت از آن را به‌منزله زمینه‌ای مناسب برای فعال شدن گروه‌های ضد فرهنگ و... به‌منظور جلب و جذب جوانان و نوجوانان به سوی خود و به انحراف کشاندن آن‌ها و تغییر نظام ارزشی‌شان در قالب برنامه‌هایی دقیق و بلندمدت تلقی نموده است.

این نوشتار همچنین با توجه دادن مخاطب به نحوه عملکرد گروه‌های ضد فرهنگ، که با نوعی برنامه‌ریزی جامع و فراگیر و با در نظر گرفتن ویژگی‌های عاطفی-روانی نوجوانان و جوانان به طرح شعارهای بسیار مترقیانه، انسان‌دوستانه و صلح‌آمیز و مخالفت با تبعیض‌نژادی، جنگ‌طلبی و روابط عاری از عواطف می‌پردازند، علل گرایش نوجوانان و جوانان به این گروه‌ها را برشمرده است.

همچنین ضمن مطالعه آثار گروه‌های ضد فرهنگ بر جوانان و نوجوانانی که به سوی این گروه‌ها گرایش یافته‌اند، به بررسی آثار این گروه‌ها بر آن دسته از جوانان و نوجوانانی

پرداخته است که معیار ارزشی این گروه‌ها را کاملاً نپذیرفته‌اند و خود را عضوی از اعضای این گروه‌ها ندانسته‌اند. اما در هر حال از معیارها و ارزش‌های آنان متأثر شده‌اند.

نوجوان به دلیل تحولات شدید زیستی، عاطفی، روانی، شناختی و اجتماعی که در دوره بلوغ با آن‌ها مواجه است حالت نامتعادل و متغیری داشته، آماده شکل‌پذیری است. حال اگر در زمینه رشد و شکوفایی ابعاد مثبت وجودی نوجوان و جوان برنامه‌ریزی کنیم، می‌توانیم امیدوار باشیم که اغلب آن‌ها در جهاتی سازنده حرکت خواهند کرد. اما چنانچه به نوجوان و جوان بی‌اعتنایی نشان دهیم و آن‌ها را به‌سادگی در دسترس کسانی قرار دهیم که در صدد القای ارزش‌های خاص خویش به این گروه هستند، روزی که چندان هم دور نیست فرا خواهد رسید که نوجوانان و جوانانمان را خواهان آرمان‌هایی بیابیم که دیگران با استفاده از غفلت ما و سرمایه‌گذاری وسیع در این باره، به ترویج و شیوع آن‌ها پرداخته‌اند و در این میان ما تنها به نفی صرف این آرمان‌ها بسنده کرده‌ایم بدون آن‌که در صدد یافتن جای‌گزین مناسبی برای آن‌ها باشیم.^۲

با در نظر گرفتن این ضرورت و با عنایت به این‌که جوانان همیشه به‌مثابه موتور محرک انقلاب‌ها بوده‌اند، می‌توان به‌وضوح دریافت که چرا غرب در تلاش برای مهار انقلاب اسلامی، با سودجویی از تجربه تاریخی خود، مهار و به انحراف کشاندن جوانان را به‌منزله یکی از اهداف راهبردی خویش به‌شدت دنبال می‌کند و با شیوه‌های مختلف می‌کوشد نظام ارزشی آن‌ها را تغییر دهد. یکی از برنامه‌های دقیق و بلندمدتی که غرب برای تیل به این مقصود طرح‌ریزی کرده است، سودجویی از عملکرد گروه‌های ضد فرهنگ (منظور گروه‌هایی است که زیر پوشش شعارهای فریبنده در صدد ترویج خشونت، ابتذال جنسی، اعتیاد، پوچ‌گرایی و موارد مشابه آن هستند) در کشور ماست. شکی نیست، تحقق این مسئله ضمن جداسازی مرجع ارزشی بسیاری از جوانان ما از ارزش‌های خودی و پیوند دادن آن‌ها به گروه‌های ضد فرهنگ، به سردرگم کردن بسیاری از جوانان و در نهایت ایجاد ارتشی آزادی‌بخش از نیروهای معارض نظام، در بطن خود نظام، خواهد انجامید.

گروه‌های ضد فرهنگ (مثل پانک، رپ، هوی‌متال، متالیکا و ...) با دقت نظر، عمق بسیار و برنامه‌ریزی جامع و فراگیر با جوانان ما برخورد می‌کنند. این گروه‌ها با در نظر گرفتن ویژگی‌های

عاطفی - روانی نوجوانان و جوانان، مانند عواطف رقیق انسانی، روحیه سرشار از خیرخواهی، گروه‌گرایی، هویت‌یابی، استقلال‌طلبی، هیجان‌جویی، تنوع‌طلبی و تمایل به جنس مخالف و...، به طرح شعارهای بسیار مترقی بر مبنای همین ویژگی‌ها می‌پردازند. برای مثال، محور فعالیت رپی‌ها در آغاز کار، اعتراض به نژادپرستی، جنگ‌افروزی و سردادن شعارهای صلح، آزادی، عشق و دوستی بود. و البته برای رسیدن به این مقصود و جلب و جذب هرچه بیشتر جوانان به سوی خود، از موسیقی‌ها و شیوه‌های پوششی که به‌ویژه در سنین بلوغ مورد توجه جوانان است، نیز استفاده کرد. اما نظام سلطه‌گر آمریکا در برخورد با این جریان توفنده و معترض سیاه‌پوستان که ابتدا حتی به نفع فلسطینی‌ها نیز آواز می‌خواندند؛ ضمن حفظ پوشش آن‌ها، به تغییر و تحریف اهداف آن‌ها دست‌زد و به تدریج آن‌ها را از اهداف اولیه‌شان منحرف کرد. به این ترتیب که ضمن سیاست‌زدایی این گروه، آنان را به سمت اعتیاد و روابط عنان‌گسیخته جنسی سوق داد و در جریان بطنی و کند، ابتدال را با نامشان عجین کرد.

ورود رپ به ایران، برعکس آنچه در آمریکا رخ داد، با بازگشت دوباره عنصر مخالفت سیاسی رپ با نظام حاکم و تأکیدی مضاعف بر همجنس‌گرایی همراه بود. در گروه هوی‌متال و زیرمجموعه‌های آن هم جریان مشابهی رخ داد. به این معنا که هوی‌متال‌ها در آغاز اعتراض خویش را به سيطرة تکنولوژی بر زندگی آدمی ابراز کردند و برای نمایش ابعاد سيطرة تکنولوژی بر زندگی انسان و در نتیجه بی‌معنا شدن دنیا و زندگی انسان، به ابزارآلات موسیقی الکترونیکی، انتخاب پوششی بسیار خشن و رفتار خشونت‌آمیز متوسل شدند. همچنین هوی‌متال‌ها در موضع‌گیری سیاسی اما منفعلانه خویش، فروریختن بمب بر سر انسان‌ها، کشتار آن‌ها و جنگ را محکوم کردند، اما آن‌ها نیز مانند رپی‌ها، درست در همان جایی که باید راهی عملی برای نفی روابط ظالمانه موجود در جوامع استکباری به جوانان پرشور و معترض نشان می‌دادند، با نمودن راهی انحرافی به آن‌ها، جوانان سرشار از خیرخواهی و توان و انرژی را به وادی انحطاط جنسی، اعتیاد به الکل و مواد مخدر، خشونت، مخالفت با والدین، بدبینی به هستی، شیطان‌پرستی و ... راهنمون شدند.

برای پی‌بردن به عمق برنامه‌ریزی نظام‌های تبلیغاتی غربی، توجه به این نکته ضروری است که آن‌ها پس از اجرای تدریجی برنامه‌ای بلندمدت (که از ارائه تصاویری خاص در لفافه‌های آدامس‌ها و شکلات‌ها آغاز شد و به القا و پوشانیدن لباس‌های جین بر اندام جوانان ما و در

نهایت به معرفی گروه‌های ضد فرهنگ انجامید)، به انواع ترفندهای روانی چنگ زدند تا جوانان را به دام گروه‌های ضد فرهنگ گرفتار کنند. آمیختگی شدید این گروه‌ها به موسیقی (آن هم موسیقی‌های بسیار محرک و هیجان‌انگیز)؛ معرفی مُد (الگو)های جالب به جوانان؛ استفاده از چهره‌های جاذب در میان خواننده‌ها، هنرپیشه‌ها، رقاصه‌ها و ...؛ توجه کامل به تمایلات جنسی جوانان و مهم‌تر از همه مطرح کردن موضوعات مختلف عقیدتی، فکری و فلسفی مانند ضدیت با سردمداران سیاسی جامعه، مخالفت با آلوده‌کنندگان محیط زیست، مخالفت با نسل پیش از خود، بدبینی به کل هستی، پوچ‌گرایی، شیطان‌پرستی و ... فراهم آوردن امکان سرگرمی‌های عقیدتی و فکری - فلسفی برای جوانان، همگی موجب شد که این گروه از مقبولیت خاصی در نزد جوانان برخوردار شود.

خشونت و اعتیاد، ابزارهای دیگری هستند که جوانان از طریق آن‌ها به تخلیه تنش‌های درونی خویش می‌پردازند و با فروغلتیدن به دامان مواد مخدر و الکل، در دنیای نشنگی خود، فارغ از تألمات و مشکلات روحی، اوقاتشان را در بی‌خیالی و خوشی سپری می‌سازند. جوانان بی‌هویتی که تشنه و در جست‌وجوی هویتی برای خویش هستند، با پذیرفته‌شدن از سوی گروه‌های ضد فرهنگ، عرصه‌ای می‌یابند تا اگرچه نه به صورت واقعی، اما به شکل ظاهری و مصنوعی، هویت لازم را کسب کنند و از سرخوشی هویت کاذبی که یافته‌اند، سرشار شوند.

به تعبیر دیگر و به‌طور خلاصه می‌توان گفت که گروه‌های ضد فرهنگ که ساخته و پرداخته غرب هستند، فعالیت‌های خویش را با سر دادن شعارهای بسیار مترقیانه، انسان‌دوستانه و صلح‌آمیز شروع کردند و با دم‌زدن از مخالفت با تبعیض نژادی، جنگ‌طلبی و روابط عاری از عواطف، جوانان را به سوی خود فراخواندند و آن‌گاه طی روندی استحاله‌گونه که حرکت آن بسیار تدریجی و کند بود، این افراد معترض، پرتوان و عصیانگر را به جوانانی خشن، بدبین، معتاد، مبتلا به انواع بیماری‌های آمیزشی، منفعل، منزوی و سرخورده تبدیل کردند.

اگر بخواهیم با زبان آمار و ارقام و تحقیق‌های تجربی انجام‌شده درباره آثار ورود گروه‌های مرجع رپ یا هوی متال در کشورهای دیگر سخن بگوییم، ناگزیریم به جای اشاره به مسائلی همچون آزادی روابط جنسی و رواج چشمگیر استفاده از مواد مخدر، که در غرب تا حدودی عادی و پیش‌پا افتاده هستند، خود را به مواردی محدود کنیم که غربی‌ها نیز به آن توجه کرده و با دید تحقیقی بدان نگرسته‌اند.

نگارنده در جست‌وجوی رایانه‌ای با استفاده از کلید واژه‌های «رپ»، «هوی‌متال» و «هیپیسیم»، به بررسی تحقیق‌های تجربی انجام‌شده در زمینه‌های فوق پرداخت، لیکن بعداً مشخص شد که تقریباً تمامی تحقیق‌های انجام‌شده، حول بررسی آثار موسیقی رپ و هوی‌متال بر افراد و تعیین میزان همبستگی میان ترجیح این نوع موسیقی با ملاک‌های پیش‌بین‌ویژگی‌های شخصیتی آن‌هاست. از این‌رو، در این قسمت به‌منظور تأکید مجدد بر تغییر مرجع ارزشی جوانانی که در حیطه نفوذ گروه‌های پیش‌گفته قرار گرفته‌اند، تحقیق‌های فوق به‌اجمال مرور و سپس از داده‌های تجربی آن‌ها در جهت تبیین این مسئله سود جست‌ه می‌شود.

«پاپالیا» (Papalia) و «اولدن» (Olds) درباره نقش موسیقی راک (Rock) در زندگی جوانان غربی

می‌نویسند:

«موسیقی یکی از مهم‌ترین نمادها به‌شمار می‌رود و موسیقی راک هواخواهان زیادی بین جوانان ۱۹-۱۳ ساله دارد. جوانانی که موسیقی دلخواه خویش را انتخاب کرده‌اند، غالباً آن را در اتاق شخصی خودشان یا توسط گوشی‌ای که به گوششان می‌گذارند، گوش می‌دهند و با وجودی که ممکن است این کارشان مورد اعتراض اولیایشان قرار بگیرد، به‌ندرت آن را کنار می‌گذارند، چراکه این عمل، نشانی از هویت آن‌ها را دربردارد. موسیقی‌ای که جوانان ۱۹-۱۳ ساله گوش می‌دهند، عملاً آن‌ها را در یک زیرگروه (Sub group) خاص جای داده، به آن‌ها کمک می‌کند دوستانی برای خود انتخاب کنند، موضوعی برای صحبت کردن بیابند و با دیگر جوانان به‌سر ببرند. البته موسیقی منبعی برای اطلاعات جوانان نیز به‌شمار می‌رود. موسیقی راک، با جوانان از مسائل جنسی، شیوه‌های زندگی متفاوت با روش‌های معمول و موارد مشابهی که در جوامع بشری به‌مثابه یک تابو (Taboo) و شیء ممنوع دیده می‌شوند، سخن می‌گوید. علاوه بر این موسیقی برای جوانان این امکان را فراهم می‌آورد که اعتراض سیاسی خویش را بنمایانند.

بسیاری از بزرگسالان از نقش مهمی که موسیقی راک در زندگی جوانانشان دارد، اظهار تأسف می‌کنند. به‌زعم آن‌ها دلیل مشکلات تحصیلی فرزندان‌شان، اوقات بسیاری است که آن‌ها صرف شنیدن موسیقی می‌کنند. همین‌طور آن‌ها اذعان می‌دارند که مسائلی چون امور جنسی، پرخاشگری و خودکشی که در موسیقی راک

مطرح می‌شود، تأثیر منفی بر جوان می‌گذارد.

اولیا، به‌ویژه بر موسیقی «هوی متال» راک تأکید می‌ورزند که کینه و نفرت، تجاوز به عنف، نگاه حقیرانه به زن، انحرافات جنسی و گاه شرارت را در جوانان زنده کرده. آنان را بدان سمت سوق می‌دهد.

دیدگاه مقابل این دید. بحث درجه اطمینانی راک که موسیقی راک در زندگی احساسی جوانان می‌گشاید، مطرح می‌کند و بر این نکته تأکید می‌ورزد که تفسیر جوانان و نوجوانان از موسیقی راک، نظیر تفسیر بزرگ‌ترها نیست. برای مثال، در حالی که نیمی از دانشجویان یک کالج، آهنگ «بروس اسپرینگستین» (Bruce Springsteen) تحت عنوان «در آمریکا به دنیا بیا» را آهنگی وطن‌پرستانه توصیف کرده بودند، اولیای آن‌ها این آهنگ را گریستن بر بیگانگی تلقی می‌کردند. در هر صورت این گروه با پیش کشیدن مباحث فوق و موارد مشابه، از کارکرد موسیقی راک دفاع می‌کنند» (papalia & olds, 354).

گذشته از بحث‌های نظری، نظیر آنچه ذکر شد، تحقیق‌های انجام‌گرفته درباره بررسی میزان همبستگی میان ترجیح یک موسیقی (و در این جا موسیقی های رپ و هوی متال) با ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری جوان، مسئله‌ای است که توجه برخی از روان‌شناسان را به خود جلب کرده است.

«اپستاین» (Epstein)، «پراتو» (Pratto) و «اسکیپر» (Skipper) در تحقیقی که در سال ۱۹۹۰ درباره ترجیح موسیقی هوی متال و رپ از سوی جوانان و مشکلات رفتاری آنان انجام دادند، به تأیید یکی از فرض‌های خویش که وجود همبستگی مثبت میان ترجیح موسیقی‌های مزبور با نژاد افراد بود، رسیدند (Epstein; Pratto; Skipper, 381-394).

«ترزسینسکی» (Trzcinski) در تحقیقی که نتایج آن را در سال ۱۹۹۲ با عنوان «بچه‌های هوی متال: آیا آن‌ها با شیطان می‌رقصند» منتشر کرد، به بررسی میزان تأثیر موسیقی هوی متال در بزرگسالی جوانان پرداخت و به این نتیجه رسید که این نوع موسیقی، به افزایش خشونت، خودکشی، شرارت و تمایل به فرقه‌های خرافی (Occult) (نظیر جادوگری) می‌انجامد. وی در بحث پایانی خویش متذکر شد که نتایج به دست آمده می‌توانند به اولیا، معلمان و سایر دست‌اندرکاران امور جوانان هشدار دهند که جوانان آن‌ها به چه نوع موسیقی‌ای گوش می‌دهند و

با توجه به همین مسئله، در مواقع بحرانی به کمک آن‌ها بشتابند. به این ترتیب که آن‌ها درباره پیام‌هایی که این نوع موسیقی به جوانانشان می‌دهد، باب بحث‌های ارزشی، اخلاقی و معنوی را با آن‌ها بگشایند (Trzcinski, 7-22).

نتایج تحقیقات انجام‌شده، بیانگر آنند که دو عامل؛ «آشفته‌گی‌های خانوادگی» و «مساعده بودن زمینه‌های اولیه برای علاقه به این نوع موسیقی»، از عوامل مهمی هستند که گرایش به موسیقی هوی‌متال را در جوانان تسهیل می‌کنند.

«مارتین» (Martin)، «کلارک» (Clarke) و «پیرس» (Pearce) در تحقیقی که در سال ۱۹۹۳ انجام دادند، در صدد برآمدند تا ارتباط‌های احتمالی بین ترجیح موسیقی هوی‌متال از سوی برخی از جوان‌ها را با بهداشت روانی و سبک زندگی آن‌ها بیابند. آن‌ها در مطالعه‌ای که ۲۴۷ دختر و پسر دبیرستانی استرالیایی (۱۳۸ پسر و ۱۰۹ دختر) را دربرمی‌گرفت، به این نتیجه رسیدند که «آشفته‌گی خانواده» یکی از عوامل معناداری است که در جوانان مزبور به‌طور مشترک ملاحظه می‌شود و این مسئله به‌ویژه در دختران، عاملی مؤثر در جهت یافتن آن‌ها به سوی موسیقی هوی‌متال بوده است (Martin; Clarke; Pearce, 530-535).

«آرنت» (Arnett) در تحقیقی که در سال ۱۹۹۱ انجام داد، نگرش‌ها و ویژگی‌های شخصیتی ۵۲ مرد جوان را که به موسیقی هوی‌متال علاقه داشتند، با ۱۲۳ مرد مشابه که علاقه‌ای به این موسیقی نشان نمی‌دادند، بررسی کرد. دامنه سنی آزمودنی‌ها بین ۲۰-۱۴ سال بود. پس از آن‌که داده‌های تحقیقی از طریق مصاحبه و گزارش شخصی با استفاده از پرسشنامه، گردآوری شدند؛ مشخص گردید ۸۰٪ افراد علاقه‌مند به موسیقی هوی‌متال که از نوازندگان این موسیقی با حالتی احساسی یاد می‌کردند، خود با نحوه نواختن گیتار یا سایر وسایل موسیقی راک آشنایی داشته‌اند یا در این زمینه تلاش‌هایی از خود نشان داده بودند. به علاوه بیش از ۱/۳ افراد علاقه‌مند به موسیقی هوی‌متال بیان داشته بودند که طی ده سال آینده، ارتباطشان را با این موسیقی همچنان حفظ خواهند کرد و اساساً از آن جهت جذب این موسیقی شده‌اند که استعدادی در اجرای آن در خود یافته‌اند (Arnet, 76-98).

علاوه بر آشفته‌گی‌های خانوادگی و مساعده بودن زمینه‌های اولیه که در گرایش جوان‌ها به موسیقی هوی‌متال به شکل بارزی مؤثر بوده‌اند، کارکرد پالایشی این موسیقی برای افراد مزبور نیز قابل ذکر است. «آرنت» در بیان یکی دیگر از یافته‌های تحقیقی خویش می‌نویسد:

«برای بسیاری از آزمودنی‌ها، موسیقی هوی‌متال نقش و کارکردی بالابینی

داشته، موجبات تخلیه اضطراب‌ها و نفرت آن‌ها را فراهم می‌آورد» (Ibid).

تحقیق‌های دیگری که به بررسی تأثیر موسیقی هوی‌متال بر عملکرد افرادی که به این موسیقی علاقه می‌ورزند، انجام گرفته است، نشان می‌دهند که این موسیقی موجبات افزایش موارد زیر را در این افراد فراهم می‌آورد:

مصرف مواد مخدر؛ خشونت؛ خودکشی و شرارت؛ جرم و بزه؛ دید منفی به زن‌ها؛ افسردگی؛ سحر و افسون؛ و بت پرستی.

«مارتین» و همکاران در یکی از نتایج تحقیقی خویش به این مسئله رسیدند که «مصرف مواد مخدر در بین افرادی که موسیقی هوی‌متال را ترجیح می‌دهند، در مقایسه با گروه کنترل، به شکل معناداری بالاتر است» (Martin; Clarke; Pearce, 530-535).

«ترزینسکی» در تحقیق خویش به این نتیجه رسید که «موسیقی هوی‌متال در افزایش خشونت جوانان علاقه‌مند به این موسیقی نقش به‌سزایی دارد» (Trzcinski, 7-22). به‌علاوه یافته‌های دیگر او در همین تحقیق حاکی از آن بودند که «خودکشی و شرارت» از موارد دیگری هستند که افزایش آن‌ها را در جوانان علاقه‌مند به موسیقی هوی‌متال می‌توان شاهد بود. نتیجه‌ی اخیر در تحقیق‌هایی که «اشنایدر» (schneider)، «فاربرو» (Farberow) و «کراکس» (Kruks) در سال ۱۹۸۹ و «مارتین» و همکاران در سال ۱۹۹۳ انجام دادند، تأیید شد.

«اشنایدر» و همکاران در تحقیقی که ۵۶ مرد همجنس‌باز رپی و ۵۲ مرد همجنس‌باز دیگر جامعه آماری آن را تشکیل می‌دادند، به این نتیجه رسیدند که «۲۰٪ آزمودنی‌ها که اغلب اوقات در روابط بین شخصی خویش دچار تنش می‌شدند، به دلیل همجنس‌بازی طرد گردیده بودند. به‌علاوه ۵۵٪ آزمودنی‌ها گزارش کرده بودند که دست‌کم یک‌بار برای خودکشی تلاش کرده‌اند» (Schneider; Farberow; Kruks, 381-394).

«مارتین» و همکارانش نیز در تحقیقی که درباره‌ی میزان همبستگی میان تمایل جوانان به موسیقی هوی‌متال و اقدام به خودکشی در این افراد انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که «بین گرایش جوانان به انتخاب موسیقی هوی‌متال با اندیشه‌ی خودکشی یا آسیب زدن به خویش، رابطه‌ی معناداری وجود دارد». یکی دیگر از یافته‌های همین تحقیق حاکی از «افزایش میزان بزهکاری در میان جوانانی است که به موسیقی هوی‌متال علاقه‌مندند یا آن را ترجیح می‌دهند».

در تحقیق مشابهی که «سینگر» (Singer)، «لوین» (Levine) و «جو» (Jou) در سال ۱۹۹۳ دربارهٔ میزان ارتباط میان گرایش جوان‌ها به ترجیح موسیقی هوی‌متال با جرایم آن‌ها و کنترل اجتماعی انجام داده‌اند، بار دیگر بر «افزایش میزان بزه در جوانان علاقه‌مند به موسیقی هوی‌متال، به‌ویژه جوانانی که کنترل والدین بر آن‌ها کم است» تأکید شده است (Singer; Levin; Jou, 317-329).

افزایش دید منفی به زن‌ها و بررسی رابطهٔ آن با موسیقی هوی‌متال، مسئله دیگری است که به آن توجه شده است. «لاورنس» (Lawrence) و «جوینر» (Joyner) در تحقیقی که دربارهٔ بررسی تأثیر موسیقی راک بر افزایش خشونت در روابط جنسی مردان با زنان انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که «این موسیقی، به نگرش منفی مردان دربارهٔ زنان دامن می‌زند» (Lawrence; Joyner, 49-63).

افزایش میزان ابتلا به «افسردگی» در طرفداران موسیقی هوی‌متال، نتیجه دیگری است که «مارتین» و همکارانش نتایج آن را در تحقیقی که دربارهٔ ارتباط نوع موسیقی مورد علاقهٔ جوان با میزان سلامت بهداشت روانی و انتخاب سبک زندگی وی انجام دادند، گزارش کردند. افزایش گرایش به سحر، افسونگری و بت‌پرستی، از موارد دیگری است که در گزارش‌های پژوهشی از این دست، بر آن تأکید شده است. از جمله «ترزسینسکی» در تحقیق خود به این نتیجه رسید که «موسیقی هوی‌متال تمایل به پرداختن به فرقه‌های سَری (از قبیل جادوگری) را افزایش می‌دهد» (Trzcineski, 7-22).

«تراوستل» (Trostle) در تحقیقی که دربارهٔ بررسی میزان همبستگی میان گرایش جوانان به موسیقی هوی‌متال و باورهای خرافی آن‌ها انجام داد، به این نتیجه رسید که «نیمی از ۶۶ آزمودنی وی، هویت خویش را به‌مثابه فردی بت‌پرست (Stoner) مشخص کرده و اذعان داشته‌اند که مناسب شیطان‌پرستی در آن‌ها به شدت جریان دارد» (Trostle, 610).

مجموعهٔ ویژگی‌های شخصیتی که از زبان تحقیق‌های تجربی انجام‌شده ذکرشان رفت (مصرف مواد مخدر، خشونت، خودکشی و شرارت، جرم و بزه، دید منفی به زن‌ها، افسردگی، تمایل به سحر و افسون و بت‌پرستی) از نظام ارزشی خاصی حکایت می‌کند که گروه‌های رپ و هوی‌متال مرجع ارزشی آن‌ها هستند و با تعمیق ارزش‌های این گروه‌ها در جوانانمان، شاهد شکل‌گیری و بروز آن‌ها در جوانان خواهیم بود.

نکتهٔ مهمی که در این قسمت نباید ناگفته بماند، تداوم واپس‌روی ارزشی جوانانی است که

گروه‌های پیش‌گفته، به صورت مرجع ارزشی آن‌ها درآمده‌اند. البته با وجود آن‌که «جامعه‌شناسی همچنان فاقد تحلیل و استنتاج نظری از تحقیق‌های موجود دربارهٔ مرزبندی‌های سنی، مسائل سیاسی نسل‌ها و ... است» (آبرکرامبی؛ هیل؛ ترنر، ۲۸)، اما با توجه به برخی از شواهد و بررسی‌های اولیهٔ انجام‌شده، به نظر می‌رسد اعضای زیرمجموعه‌های متعدد گروه‌های رپ و هوی متال به تدریج از گروهی به گروه دیگر سوق یافته، در این روند از یک گروه نسبتاً منحنط به گروهی بسیار منحنط‌تر و افراطی‌تر جابه‌جا شده باشند. پیش از ادامهٔ بحث، آوردن مثال مشابهی مفید می‌نماید:

برخی از مطالعات انجام‌شده دربارهٔ عشق و محبت نشان می‌دهند که با مقایسهٔ ویژگی‌های آغازین و انجامین عشق‌های موجود بین دخترها و پسرها، شاهد تحولات عاطفی، روانی، شخصیتی و عقیدتی بسیاری در این زمینه هستیم.

نوجوانان و جوانان در توصیف عشق‌های مادی و طبیعی از علایم و نشانه‌هایی سخن گفته‌اند که با قرار دادن نشانه‌های آغازین و انجامین این عشق‌ها در برابر هم، تحولات شخصیتی عمیقی که در روند عشق‌های مادی عارض جوان‌ها می‌شود، نتیجه می‌گردد. در نشانه‌های آغازین عشق طبیعی، جوانان از توجیهاتی نظیر «ابجد رابطه‌ای خواهرانه و برادرانه»، «رابطه‌ای پاک و بی‌آلایش و به دور از هرزگی» و ... یاد می‌کنند، اما پس از آغاز رابطهٔ عاطفی آن‌ها با جنس مخالف، به تدریج توجیهات اولیه رنگ باخته، جای خود را به موارد دیگری خواهند داد. همزمان با شکل‌گیری عشق‌های خیابانی بین دخترها و پسرها، شاهد بروز و ظهور تحولات مثبت و منفی در نوجوانان و جوانان هستیم. ابعاد مثبتی که ممکن است در جوان شکل گیرد، عبارتند از: «گامی فراتر از خویش‌گذاردن»، «تجلی ایثار نفس»، «جوشش خلاقیت‌ها»، «انگیزه و تحرک یافتن»، «بی‌پروا شدن» و «کسب نوعی عرفان». به‌طور خلاصه جوانی که تا پیش از عاشق شدن، ممکن بود به فراتر از خویش فکر نکند، به جایی می‌رسد که احساسش به او می‌گوید «دیگری را دوست دارد» و «برای او حاضر است از هر چیزی بگذرد» و این به معنای «گامی فراتر از خویش‌نهادن» و در هم شکستن حصارهای منیت‌پرستی و حرکت به سمت «ایثار نفس» برای دیگری است، بدون این‌که در این میان هیچ اندیشهٔ سوداگرانه‌ای در ذهن فرد وجود داشته باشد.

در کنار این ابعاد مثبت، ابعاد منفی نیز ممکن است در جوان شکل گیرد که عبارتند از:

«هم‌عرض خدا پنداشتن معشوق»، «چیرگی احساسات کور بر فرد»، «محدود شدن تفکر»، «کنار نهادن منطق»، «فرو رفتن در خویش»، «احساس اضطراب» و

نمونه‌ای از هم‌عرض خدا تلقی شدن معشوق برای عاشق، آغاز نامه‌ها با عناوینی چون «به نام تو»، «به یاد تو»، «فدای تو»، «ای نام تو بهترین سرآغاز»، «به یاد عشق» و ... است. این تعابیر آشکارا نشان می‌دهند که عاشق، معشوق خویش را هم‌عرض خدایش پنداشته و آن‌چنان در وی تحلیل رفته است که دیگر تنها و تنها به او می‌اندیشد و «در تلاش برای حراست از دوست دخترش»، حتی با پسرهای «مزاحم» و «رقیب» درگیر می‌شود.

چنان‌چه انجام عشق‌های طبیعی و جسمانی مدّ نظر قرار گیرد، شاید تنها بُعد مثبتی که در پایان این عشق‌ها مشاهده شود، چیزی جز تحول معدودی از این عشق‌ها به عشق الهی و خندیدن به عشق‌های بچه‌گانه‌ای که انسان را از کار و درس و زندگی بازمی‌دارد، نباشد. در این صورت همه ابعاد مثبت قلبی، رنگ باخته، دیگر آثاری از آن‌ها به چشم نمی‌آید.

«دور شدن از مذهب» و «تنفر یافتن از آن» از ویژگی‌های مهم دیگری است که در این مقطع، در نوجوان و جوان عاشق ملاحظه می‌شود. جوانی که به امید رسیدن به عشق خود نذر و نیازهای بسیاری کرده و بارها نماز حاجت خوانده است، پس از دست‌نیافتن به مراد و مقصود خویش، به دین بدبین شده، اظهار می‌دارد: «دین عواطف را در نظر نمی‌گیرد» و «قبول نمی‌کند جوان‌ها آزاد باشند» و در نهایت با این استدلال که دین از پذیرش واقعیات روی‌گردان است، «ابطال» و «خرافه بودن» آن را نتیجه می‌گیرد.

پس از پدیدآیی این نوع تغییر در نگرش مذهبی غالب دخترها و پسرهایی که عشق‌های خیابانی بین آن‌ها شکل گرفته است، تغییر نظام ارزشی آغاز می‌شود. به این معنا که تعبیراتی نظیر «ایجاد رابطه‌ای پاک و بی‌آلایش» که در ابتدا توجیه‌کننده روابط دختر و پسر بوده است، به تدریج پس از زایل شدن ترس از دوستی با جنس مخالف رنگ می‌بازد و با در نظر گرفتن مبنای این‌گونه عشق‌ها که اغلب توجه به زیبایی‌های ظاهری افراد است، جای خود را به کسب لذت بیشتر از طریق انتخاب زوجی بهتر و زیباتر می‌دهد.

«احساس سردرگمی» و «توقف افکار و اندیشه جوان» از ابعاد منفی دیگری است که معمولاً زمانی در جوان عاشق ملاحظه می‌شود که دریابد یاری که به او عشق می‌ورزیده، در حق او بی‌وفایی کرده است و این مهم‌ترین عامل در سلب انگیزه تحرک و پویایی وی به‌شمار می‌رود.

«تفر یافتن از جنس مخالف» و «آسیب خوردگی روانی» از دیگر ویژگی‌های منفی این‌گونه عشق‌های مادی هستند. بدیهی است با خدشه‌دار شدن چهره روابط اولیه و دور شدن طرفین یا یکی از آن‌ها از تعهدات روز نخست، احساسی از یأس و سرخوردگی بر فرد چیره شود و این حالت به‌ویژه در دخترها که بسیار عاطفی‌تر از پسرها هستند و سرمایه عاطفی خویش را ویران‌شده می‌بینند، شدیدتر خواهد بود.

«بروز حالات عصبی»، «تنهایی»، «پشیمانی»، «افسردگی»، «تلقی شکست»، «خود را بی‌اراده پنداشتن»، «احساس مورد سوء استفاده واقع شدن» و... انواع دیگری از آسیب‌های روانی هستند که گریبانگیر فرد عاشق شده، چنان روح او را از درون می‌خورند که گاه وی را راضی به سرگ خویش می‌کنند یا با ایجاد حالت «پرخاشگری» و «قوت بخشیدن به حس انتقام» در فرد، به‌ظاهر و به‌طور نسبی او را از دردهای درونی‌اش تخلیه می‌سازند.

بنابراین اگر به ویژگی‌هایی که از زمان شکل‌گیری این‌گونه عشق‌ها تا پایان یافتن آن‌ها در دخترها و پسرها شکل می‌گیرد، بادقت توجه کنیم، بدون شک بسیاری از تحولات عاطفی، روانی، عقیدتی و شخصیتی را که در آن‌ها پدید آورده است، درخواهیم یافت.^۳

به این ترتیب ملاحظه می‌شود که گاه ممکن است چگونگی بروز و تجلی یک پدیده، در آغاز و انجام بسیار متفاوت باشد و گاه حتی به انحطاط کشیده شود. این مسئله عیناً در زمینه گرایش هواداران گروه‌های رپ و هوی متال به سوی گروه‌های افراطی‌تر زیرمجموعه این گروه‌ها مشاهده می‌شود. مطالعات اولیه نگارنده و دانشجویانش نشان داد که گاه تا ۹۰٪ از دانش‌آموزان مورد تحقیق، اطلاع درستی از منشأ و بینش فلسفی گروه‌های مزبور نداشته و عمدتاً شناخت آن‌ها از این گروه‌ها بر مبنای تیپ (گونه)‌هایی بوده است که این گروه‌ها عرضه داشته‌اند.^۴ به عبارت دیگر، آنچه در وهله نخست گروه‌های مذکور را برای جوانان جذاب می‌کند، مُد (الگو)‌هایی است که عرضه می‌دارند و سپس به سمت شعارهای این گروه‌ها نظیر شعار آزادی، (در مرحله نخست آزادی روابط دختر و پسر و در مرحله بعد آزادی عقیدتی - سیاسی) تمایل می‌یابند. نکته مهم دیگری که در جوانان ایرانی موجب سردرگمی می‌شود این است که نه تنها فلسفه‌ای که جوانان غربی بر مبنای آن به سوی گروه‌هایی چون رپ و هوی متال کشیده می‌شوند، در محیط ما وجود ندارد،^۵ بلکه آنچه در غرب عادی به شمار می‌رود، نظیر بی‌قیدی، نوشیدن مشروبات الکلی و داشتن روابط نامشروع، در محیط ما ناپسند تلقی می‌شود و فشار هنجاری

شدیدی بر جوانانی که به وادی این مسائل درمی‌غلطند، حاکم است. بنابراین افراد مذکور به‌سادگی دچار اضطراب، انزوا، افسردگی، پرخاشگری و حالاتی از این‌دست خواهند شد. با ایجاد تغییرات مذکور، ناهماهنگی‌هایی بین هنجارهای رفتاری فرد و گروه اولیه‌اش پدید می‌آید که خود موجب سوق دادن فرد به سمت گروهی است که با رفتارهای جدید وی همسنخی و هماهنگی بیشتری دارند. این تغییر، از گروه‌های خنثی‌تر به گروه‌های افراطی‌تر، در برخی از گروه‌های رپ و هوی‌متال مشاهده می‌شود.

نکتهٔ آخری که تذکر آن مفید می‌نماید، تأثیر گروه‌های ضد فرهنگ بر قشرهایی از جوانان است که معیارهای ارزشی این گروه‌ها را کاملاً نپذیرفته، خود را عضوی از اعضای این گروه‌ها نمی‌دانند، اما در هر حال از معیارها و ارزش‌های آنان تأثیر می‌پذیرند. راه صحیح حل این مشکل، استفادهٔ مناسب از تبلیغات و مربیان به‌منظور ارائهٔ تحلیل‌های منطقی و استدلالی از ارزش‌ها و هنجارهای گروه‌های ضد فرهنگ و نشان دادن سیر استحالهٔ فکری، شخصیتی و عقیدتی است که در این گروه‌ها وجود دارد. با توجه به نقش مثبت این آگاهی‌ها در شکل‌گیری درست هویت جوانان، بدون شک کوتاهی مربیان در انجام وظیفهٔ مذکور و غفلت نظام تبلیغاتی از بازشناسی دقیق انگیزه‌ها و ریشه‌های گروه‌های ضد فرهنگ، به ایجاد وقفه در روند هویت‌پذیری صحیح جوانان، تغییر مرجع ارزشی آنان و سردرگم کردن مسیر هویت‌یابی آنها منجر خواهد شد.

یادآوری می‌شود در دورهٔ بلوغ، روند هویت‌یابی برای نوجوانان، مسئله‌ای حاد و دشوار به نظر می‌رسد. از آن‌رو که فرد در این دوره با مجموعه‌ای از تغییر و تحول‌های زیستی، عاطفی، روانی، شناختی، اجتماعی و ... مواجه می‌شود که تا پیش از دورهٔ بلوغ، آنها را تجربه نکرده است. از این‌رو نوجوان، در مسیر تلاشی آگاهانه مبنی بر تجربهٔ مسائل مختلف و پذیرش نقش‌های متفاوت، می‌کوشد تا با آزمودن همهٔ آنها، سرانجام نقشی را بیابد که با آن تناسب دارد. به همین علت در زمان‌های مختلف به‌رغم آن‌که تصور می‌کند در حال ایفای نقش است، اما به‌درستی نمی‌داند کدام‌یک از نقش‌ها، بیانگر «من» واقعی اوست.

«اریکسون» (Erikson) در مقام روان‌تحلیل‌گری که به ابعاد اجتماعی توجهی خاص نشان داده، مشکل هویت‌یابی نوجوانان و جوانان را ناشی از دو عامل مهم دانسته است؛ «تثبیت زود هنگام» و «گسترش نامحدود»:

«هویت‌یابی زودرس، وقفه‌ای است که در فرایند شکل‌گیری هویت پدید می‌آید. هویت‌یابی زودرس، تثبیت زودرس تصور فرد از خویش است که این تثبیت در سایر امکانات و توانایی‌هایی که شخص برای توصیف خود دارد، تأثیر می‌گذارد. نوجوانانی که هویتشان پیش از موعد مقرر تثبیت می‌شود. تأیید دیگران برایشان اهمیت اساسی دارد. عزت نفس آنان تا حدود زیادی بستگی به تأیید دیگران دارد. معمولاً برای مراجع قدرت اهمیت زیادی قائل‌اند و بیشتر با نوجوانان دیگر هم‌نواپی می‌کنند و کمتر استقلال رأی دارند. در ضمن این دسته به ارزش‌های سنتی مذهبی بیشتر علاقه‌مندند و کمتر با تأمل و فکر عمل می‌کنند. مضطرب‌اند و افکارشان قالبی و سطحی است و با دیگران کمتر روابط نزدیک برقرار می‌کنند...»

سردرگمی در هویت‌یابی، برخلاف گروه پیش، بر اثر طولانی شدن سردرگمی نوجوانان در مسیر هویت‌یابی‌شان پدید می‌آید. در این صورت شاید هیچ‌گاه در چنین افرادی احساس هویت قوی و روشنی ایجاد نشود. این‌ها نوجوانانی هستند که نمی‌توانند خودشان را بیابند و لذا خویششان را رها و فارغ از پیوند نگه می‌دارند.

نوجوانانی که دچار سردرگمی هویت هستند، عزت نفس کمی دارند و استدلال اخلاقی‌شان رشد نیافته است و به‌دشواری مسئولیت زندگی خود را برعهده می‌گیرند. تکانشی‌اند و تفکرشان منظم نیست. آمادگی اعتیاد به مواد مخدر را دارند و روابط فردیشان غالباً سطحی و گاه و بی‌گاه است. هرچند با نحوه زندگی والدینشان مخالف‌اند، اما نمی‌توانند خود شیوه‌ای در این جهت ابداع و عرضه کنند.

نوجوانانی که هویت تثبیت شده‌ای دارند، با وجود آن‌که قدری در سردرگمی و جست‌وجو به‌سر برده‌اند، اما پس از جست‌وجوی فعالانه خویش، به احساس هویت قدرتمندی دست یافته‌اند و همین امر موجب شده که در مقایسه با کسانی که هویتشان بدون پشت‌سرگذاشتن این دوره شکل گرفته است، خلاق‌تر و دارای استقلال رأی بیشتری باشند. آن‌ها تفکر پیچیده‌تر، هویت جنسی باثبات‌تر و استدلال اخلاقی رشد یافته‌تری دارند و در عین حال که به‌طور کلی روابط مطلوبی با والدینشان دارند، از خانواده‌هایشان به‌نحو چشم‌گیری مستقل شده‌اند (پاول، هنری ماسن و همکاران، ۵۸۴-۵۸۲).

بنابراین با توجه به ارزش‌ها و هنجارهایی که گروه رپ و هوی متال ترویج می‌کنند و تضادی که بین این ارزش‌ها و هنجارها با هنجارها و ارزش‌های مذهبی و ملی ما وجود دارد، سردرگمی جوانان در مسیر هویت‌یابی خویش امری بدیهی به نظر می‌رسد و چنانچه روشنگری‌های لازم برای رفع این ابهام و سردرگمی صورت نگیرد، احساس هویت ثابت و نیرومندی شکل نخواهد گرفت.

نگاهی به یافته‌های «اریکسون» و یافته‌های تحقیقاتی که پیش از این یاد شد، همسویی نسبی این یافته‌ها را با یکدیگر می‌نمایاند. به این ترتیب که «اریکسون»، مواردی همچون «آسادگی» اعتیاد به مواد مخدر، «روابط سطحی با دیگران»، «مخالفت با نسل پیشین»، «نپذیرفتن مسئولیت زندگی»، «استدلال اخلاقی ناقص»، «عملکرد تکانشی» و ... را به مثابه خصایص شخصیتی افرادی که در مسیر هویت‌یابیشان، دچار سردرگمی و وقفه شده‌اند، برمی‌شمرد که این ویژگی‌ها، با مواردی همچون «مصرف مواد مخدر، خشونت، پرخاشگری، خودکشی، انجام جرم و یزه، افسردگی، اعتقادات خرافی و ...» که دربارهٔ رپی‌ها و هوی متال‌ها به آن‌ها اشاره کردیم، نزدیکی دارند. بنابراین عدم برخورد صحیح و مناسب با گروه‌های ضد فرهنگ، کار را به جایی خواهد رساند که نه تنها قشرهایی از جوانان ما مستقیماً تحت تأثیر این گروه‌ها قرار گرفته، مرجع ارزشی خویش را در آب‌شخور ارزشی این گروه‌ها جست‌وجو می‌کنند، بلکه با سردرگم شدن سایر گروه‌های جوانان، عملاً بخش وسیعی از افراد از بدنهٔ نظام جدا خواهند شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت

- ۱- این مقاله برگرفته از جلد نخست مجموعهٔ رازگل سرخ است که در چهار مجلد طی سال‌های ۱۳۷۶-۷۷ به درخواست مرکز پژوهش‌های بنیادی انجام شده است.
- ۲- یادآوری می‌شود، نگارنده اعتقاد چندانی به تهاجم فرهنگی نداشته، بیشتر معتقد به تشتت فرهنگی است که متأثر از داخل است. غرض از طرح گروه‌های ضد فرهنگ، تأکید بر برنامه‌ریزی‌های عمیقی است که در جهان معاصر برای جوانان وجود دارد. طبعاً برای جذب جوانان به سمت اهداف ارزشی نظام، باید برنامه‌ریزی‌های مشابه (با جهت‌گیری‌های ارزشی مورد نظر) در دستور کار اولیای امر جوانان قرار گیرد.
- ۳- این قسمت برگرفته از جلد نخست کتاب روان‌شناسی عشق و محبت، تألیف نگارنده است که انتشار

خواهد یافت.

۴- مطالعه اولیه در سال ۱۳۷۴ و در سطح دانش‌آموزان دبیرستانی انجام گرفته است. در همین باره بنگرید به مقاله‌ای تحت عنوان «مد مرده» که حاصل یافته‌های پژوهشی دربارهٔ ۸۰ جوان رب و هوی‌متال است. این مقاله در روزنامهٔ همشهری، شمارهٔ ۵۲۵، ۷۳/۷/۲۶، ص ۱۲ به چاپ رسیده است.

۵- با وجود آن‌که زمینه‌های فلسفی شکل‌گیری گروه‌هایی همچون رب و هوی‌متال (نظیر فقدان عرفان و معنویت، سیطرهٔ تکنولوژی، سلاح‌های اتمی، تبعیض نژادی و...) در محیط ما وجود ندارد، بلکه زمینه‌های مخالف آن (نظیر عرفان و معنویت نسبی، سیطره نیافتن تکنولوژی بر تمامی عرصه‌های زندگی، عدم کاربرد سلاح‌های اتمی، نفی تبعیض نژادی و...) به چشم می‌خورد، با این همه ملاحظه می‌شود که قشرهایی از جوانان ما به گروه‌های مزبور توجه کرده و همان‌طور که ذکرش رفت، گاه جذب آنان نیز شده‌اند. شاید یکی از مهم‌ترین دلایل این مسئله، برخورد دوگانه و ریایی باشد که به‌مثابه بخشی از واقعیات فرهنگی و اجتماعی ما درآمده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- آبرکرامبی؛ هیل؛ ترنر، فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، نشر چاپخش، چاپ اول، ۱۳۶۷.
- پاول، هنری ماسن و همکاران، رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، نشر مرکز، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
- و نیز:
- Arnett, Jeffrey; *Adolescents and Heavy Metal Music: From Mouths of Metal Heads; Youth and Society*, 1991, Sep, Vol.23 (1).
 - Epstein, Janathon S.; David Pratto; Jn. Skipper; K. James, *Teenagers, Behavioral Problems and Preferences for Heavy Metal and Rap Music: A Case Study of Southern Middle School; Deviant Behavior*, 1990, Oct-Dec, Vol 11 (4).
 - Lawrence, Janet S.; Doris J. Joyner, "The Effect of Sexually Violent Rock Music on Males, Acceptance of Violence against Women", *Journal of Psychology of Woman Quarterly*, 1991, Mar., Vol.15 (1).
 - Martin, Graham; Michael Clarke; Colby pearce, "Adolescent Suicidale: Music preference as an Indicator Vulnerability", *Journal of The American Academy of Child and Adolescent Psychiatry*, 1993, May, Vol.32 (3).
 - Papalia, Diane E. and Sally wendkocs olds, *Human development*, International Edition, Mc Graw Hill, 5th Ed, 1992.
 - Schneider, Stephen G.; Norman L. Farberow; Gabriel N. kruks, "Suicidal Behavior in Adolescent and Youth Adult gayment", *Journal of Suicide and life Threatening Behavior*, 1989, Win., Vol.19 (4).
 - Singer, Simon I.; Murray Levin; Susyan Jou, "Heavy Metal Music Preference, Delinquent Friends, Social Control and Delinquency"; *Journal of Research in Crime and Delinquency*,

1993, Aug., Vol.30 (3).

- Trostle, Lawrence C., "Nihilistic Adolescents, Heavy Metal Rock Music and Paranormal Beliefs", *Journal of Psychological Reports*, 1986, Oct., Vol.59 (2, Pt. 1).

- Trzcinski, Jon, *Heavy Metal kids: Are They Dancing with the Devil; Child and youth Care Forum*, 1992, Feb., Vol. 21 (1).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی